

پیام نخست اقدام تروریستی در شرق ایران؛ شکست صهیونیست‌ها در جنگ ۱۲ روزه

قاتل از زاهدان به صحنه برگشت



علی ملکی

جانشین گروه سیاست

زاهدان، صبح شنبه را با تراژدی تلخی آغاز کرد. سه عضو مسلح گروهک تروریستی جیش الظلم با پوشش مراجمان وارد محدوده ساختمان دادگستری استان سیستان و بلوچستان شدند و با پرتاب نارنجک و تیراندازی تعدادی از هموطنانمان را شهید و مجروح کردند. با واکنش نیروهای انتظامی و امنیتی، درگیری در همان ورودی آغاز شد و به خیابان‌های اطراف کشیده شد. هر سه مهاجم مسلح در نهایت به هلاکت رسیدند. بر اساس اعلام منابع رسمی، در جریان این حمله تروریستی ۶ نفر از شهروندان، از جمله یک کودک هفت‌ماهه به شهادت رسیدند و ۲۲ نفر دیگر مجروح شدند و تعدادی از مجروحان به دلیل شدت جراحات تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند. گزارش‌ها حاکی است که پیش‌تر قربانیان از مراجمان عادی دادگستری بوده‌اند. گروهک جیش الظلم، مسئولیت این عملیات را بر عهده گرفته است؛ گروهی که در سال‌های گذشته با بهره‌گیری از حمایت برخی سرویس‌های اطلاعاتی فرامنطقه‌ای، از جمله موساد و سیا، به ابزار اجرایی پروژه‌های بی‌ثبات‌سازی در جنوب شرق ایران بدل شده است. شکل و نحوه اجرای این عملیات نیز نشان می‌دهد با یک اقدام برنامه‌ریزی شده راسوی‌پاز یگران نیابتی مواجیم؛ باز یگرانی که هدف اصلی‌شان ضربه‌زدن به امنیت داخلی و تخریب چهره اقتدار ملی ایران در مناطق مرزی است و قصد دارند این گونه به اهداف محقق نشده جنگ اخیر دست پیدا کنند.

■ ■ ■

ورود با پوشش ارباب رجوع

در ساعت ۸:۲۰ صبح، سه نفر از اعضای مسلح گروهک تروریستی جیش الظلم با استفاده از پوشش مراجمان عادی تلاش کردند وارد ساختمان دادگستری زاهدان شوند اما توسط نیروهای انتظامی حاضر در محل شناسایی شدند. در پی این اقدام، یکی از تروریست‌ها که قصد پرتاب نارنجک به داخل ساختمان را داشت، هدف قرار گرفت و در محل به هلاکت رسید. سردار علیرضا دلیری، جانشین فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت این عملیات از سوی عناصر وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه

فرهنگیختگان

یک منبع آگاه در گفت‌وگو با «فرهیختگان» ضمن بررسی سیر تحولات تروریسم در سیستان و بلوچستان، از روند تدریجی رشد گروهک‌های محلی تا تبدیل شدن آن‌ها به بازوهای نیابتی سرویس‌های اطلاعاتی بین‌المللی می‌گوید. او با اشاره به گروهک موسوم به جندالله، انصارقرقان، پژاک و جیش الظلم از راهبرد جدید رژیم صهیونیستی برای بهره‌گیری از گروهک‌های تجزیه‌طلب پرده برمی‌دارد و هشدار می‌دهد که تهدید تروریسم، پیش از آنکه متوجه ایران باشد، کشورهای همسایه را نشانه رفته است. به همین دلیل ضرورت دارد کشورهای همسایه و حتی کشورهایی که با ایران مرز مشترک ندارند در دفع این تهدیدات ابتکار عمل داشته باشند.

جند الشیطان در فیسبوک

از سال ۲۰۰۳ که گروهک تروریستی جند الشیطان شکل گرفته تا به امروز مسیر تحولات تروریستی در استان سیستان و بلوچستان به‌تدریج از حالت خلأ بیرون آمده و به‌اصطلاح رشد پیدا کرده است. منبع آگاه در گفت‌وگوس با «فرهیختگان» در این باره گفت: «این رشد هم تابع عوامل مختلفی است؛ از جمله عوامل محیطی درونی و عوامل محیطی بیرونی که هر کدام سعی کرده‌اند روی رشد عامل تروریستی در استان سیستان و بلوچستان و به‌تدریج در جنوب‌شرقی کشور و حتی محیط و جداره آن تا جنوب کشور اثرگذار باشند.

بیان این موضوع دلایل و نکات قابل توجهی دارد. جند الشیطان از نظر شکلی، یک گروه کاملاً آشکاری است، به این معنا که مدل کاری این گروهک به‌گونه‌ای بوده که با ایجاد مزاحمت برای مردم، سرقت و حتی اقدامات کنار جاده‌ای، سعی می‌کرد بروز و ظهور داشته باشد و به‌طور کامل به‌صورت محلی فعالیت می‌کرد؛ یعنی نگاهش کاملاً منطقه‌محور بود و سعی می‌کرد از حدود و ثغور استان هم بیرون نرزد. اما به‌تدریج همین گروهک جند الشیطان تبدیل به جریانی می‌شود که با آمریکایی‌ها ارتباط برقرار می‌کند، به پایگاه‌هایشکد در قریزستان می‌رود، دوره آموزشی می‌بیند و حتی از نظر رسانه‌ای هم رشد پیدا می‌کند. یعنی شما شاهد هستید که از سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، شخصی به اسم یعقوب مهرنهاد که مسئول آموزشی گروهک محسوب می‌شود، به کشور امارات سفر می‌کند، دوره آموزشی وبلاگ‌نویسی را می‌بیند و در سال‌های ۸۶ و ۸۷، دوره اوج وبلاگ‌نویسی و حتی ظهور شبکه فیسبوکی با نام گروه جندالشیطان هستیم.»

و با هدف ایجاد آشوب و ناامنی در منطقه طراحی شده بود.

پس از ناکامی در نفوذ به عمق ساختمان دادگستری، دو تروریست دیگر اقدام به فرار کردند. اما نیروهای امنیتی با اجرای عملیات تعقیب، آن‌ها را در خیابان‌های اطراف محاصره و در درگیری متقابل، هر دو عامل را به هلاکت رساندند. در مجموع هر سه تروریست مهاجم کشته شدند و به گفته مسئولان، جلیقه‌های انفجاری و نارنجک جنگی نیز همراه آنان بوده است. هم‌زمان با تیراندازی‌ها، صدای انفجارهای مهیب در محدوده دادگستری شنیده شد. ویدئوهای اولیه که از مقابل ساختمان منتشر شد، تجمع نیروهای امدادی، اورژانس، پلیس و مردم را به تصویر می‌کشید. وضعیت اضطراری در آن منطقه اعلام شد و نیروهای انتظامی از شهروندان خواستند از تجمع در اطراف محل حادثه خودداری کنند و مسیرها را برای امدادرسانی باز نگه دارند.

فرهنگیختگان

همه گروهک‌های تروریستی در ایران یک فرایند سننن مشخص دارند فعالیت گروهک‌های تروریستی مربوط به سال‌های اخیر نیست و دهه‌ها از شکل‌گیری آنها می‌گذرد. در این میان مسیر رشد و نمو آنها مشترک بوده است. این منبع آگاه با اشاره به این موضوع افزود: «گروهی که در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ تنها مسئولیتش این بوده که در خیابان راه برود، ترور بکند یا مزاحم مردم شود، سرقت انجام دهد و از این دست اقدامات، در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ در جایگاهی قرار می‌گیرد که به‌تدریج حتی صاحب وبسایت می‌شود. سعی می‌کند فرایند تبلیغ خودش که تبلیغات چهره به‌چهره بوده را تغییر بدهد و تبلیغاتش را به‌صورت شبکه‌ای کند و به‌تدریج رشد پیدا کند. این مدل رشد پیدا کردن در گروهک‌های دیگر هم وجود دارد؛ یعنی وقتی که در سال ۱۳۸۸ آن ضربه به شبکه جندالشیطان می‌خورد بعد از آن «انصار قرقان» به‌وجود می‌آید و بعدش جیش‌الظلم شکل می‌گیرد، به‌تدریج می‌بینید که این مدل ادامه پیدا می‌کند.

یعنی در همه این گروهک‌ها، این مسیر سنتزی و مسیر رشد ژنتیکی ادامه پیدا می‌کند، به این معنا که این گروه‌ها نیز در ابتدای شکل‌گیری‌شان، کاملاً گروه‌های محلی محور هستند؛ اما به‌تدریج منطقه‌ای می‌شوند و رشد بین‌المللی پیدا می‌کنند. در مورد گروه جیش الظلم، همین مسیر قابل بررسی است. یعنی کادر رهبری این جریان، صلاح‌الدین فاروقی، فردی است که بعد از کنار رفتن عبدالمالک ریگی، می‌آید بخشی از گروهک جندالشیطان را سازماندهی می‌کند. مأموریت‌هایی که انجام می‌دهد، کاملاً مأموریت‌های محلی محور هستند. بعد با دو گروه دیگر موسوم به «انصارالاسلام» و «جیش‌الاسلام» اتلاف می‌کند، سران و سرکرده‌های این دو گروهک را می‌کشد و خودش به‌عنوان رهبر اصلی جیش الظلم معرفی می‌شود. وقتی که خودش به این سمت ظهور پیدا می‌کند، مورد توجه سرویس‌های خارجی قرار می‌گیرد و با او ارتباط برقرار می‌شود. ابتدا سرویس‌های منطقه‌ای با او ارتباط می‌گیرند و سعی می‌کنند در حوزه مأموریت‌های منطقه‌ای او استفاده کنند. سپس سرویس‌های بین‌المللی مثل سازمان سیا و موساد هم به سراغ او می‌آیند.»

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

دسته اول:

اپوزیسیون پنهان شده پشت شعار دموکراسی

اولین گروه، ازجمله میرحسین موسوی، چند روز پس از پایان جنگ بیانیه‌ای منتشر کردند و خواستار تشکیل مجلس مؤسسان برای تغییر قانون اساسی و به‌تبع آن، تغییر نظام جمهوری اسلامی شدند. این بیانیه که با استقبال ۷۰۰ نفر از اپوزیسیون داخلی و خارجی مواجه شد، مدعی بود اتحاد در برابر تجاوز خارجی، وقتی معنا دارد که مردم «احساس کرامت و مشارکت» داشته باشند. اما پشت این الفاظ پرکشده چه خبر است؟ اغلب امضاتندگان بیانیه از مخالفان ریشه‌ای نظام هستند. برخی از آن‌ها سال‌هاست رسماً در اردوگاه براندازی صف کشیده‌اند؛ از سلطنت‌طلب تا منافق، از سلب‌ریتی فراری تا مأمور امنیتی سابق. این بیانیه بیش از آنکه از سر دلسوزی باشد، دنبال منافع شخصی و سیاسی است و دقیقاً بازی در زمین دشمن است. وقتی اسرائیل نتوانست در میدان جنگ نظامی پیروز شود، حالا دل خوش کرده به افرادی که از داخل، انسجام را هدف گرفته‌اند. این جماعت با هدف بهره‌برداری از فضای پساجنگ، تلاش می‌کنند بگویند مردم نه برای وطن که علیه نظام به خیابان آمدند؛ درحالی‌که واقعیت، دقیقاً برعکس است. اگر امروز اتحاد و مقاومت



نوید فقط ۷ ماه داشت

در ساعات ابتدایی پس از حمله، آمار شهدا ۵ نفر اعلام شد که یکی از آن‌ها کودک ۷ماهه‌ای به نام نوید بلوچ شیر محمدی بود. اما ساعاتی بعد، با شهادت یکی از مجروحان، شمار شهدا به ۶ نفر افزایش یافت. بنابر گزارش قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه، ۲۲ نفر نیز در این حمله تروریستی مجروح شدند. بیشتر شهدا و مجروحان از شهروندان عادی و مراجمان دادگستری بودند و وضعیت تعدادی از مجروحان وخیم گزارش شد. محمدحسن محمدی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی زاهدان اعلام کرد همه مجروحان پس از اقدامات اولیه تخصصی در اورژانس بیمارستان خاتم‌الانبیاء، به بخش‌های بستری منتقل شدند و دو تن از آن‌ها به‌واسطه شدت جراحات به اتاق عمل انتقال یافتند.

فرهنگیختگان

استفاده از گروهک‌های تجزیه‌طلب راهبرد جدید اسرائیل پس از جنگ این منبع آگاه معتقد است که بین‌المللی شدن این گروهک باعث می‌شود که مدل رفتاری‌اش هم عوض شود. او در این باره گفت: «اگر مثلاً در سال ۱۳۹۸ عکس‌های مرتبط با گروه جیش‌الظلم را بررسی کنید، می‌بینید که نوع لباس‌هایی که دارند، کاملاً لباس‌های اشراری است. اما در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، در عملیات‌هایی که در داخل استان سیستان و بلوچستان و حتی چند عملیات فرامنطقه‌ای در استان‌های مجاور انجام می‌دهد، حتی مدل لباس پوشیدن‌شان هم تغییر کرده است. لباس‌هایشان لباس‌های چریکی تری شده و شبیه ارتش شده‌اند. درواقع، این نشان می‌دهد که عوامل خارجی و متغیرهای بیرونی روی رشد این گروهک تأثیر گذاشته‌اند و آن را به سطحی رسانده‌اند که به‌عنوان یک ارتش محلی اقدام می‌کند. چیزی که امروز از عملیات‌های گروهک جیش‌الظلم می‌بینید، از جمله عملیاتی که در چابهار انجام می‌دهد و ادعا می‌کند به‌دنبال نظم تمدنی جدید در منطقه سیستان و بلوچستان است و اقدامات مشابهی که در سال‌های اخیر انجام داده، حکایت از این دارد که اکنون گروهک جیش‌الظلم تبدیل شده به یک ارتش خصوصی، مزدور که در اختیار سرویس‌های بین‌المللی قرار دارد.

بعد از پایان جنگ تحمیلی، فاز این گروهک هم تغییر پیدا کرده است. یعنی اگر پیش از این بیشتر در اختیار سرویس‌های منطقه‌ای و سازمان سیا بود، اکنون بیشتر کارگزار سازمان موساد در منطقه ما محسوب می‌شود. در واقع، رژیم صهیونیستی بعد از پایان جنگ به‌دنبال تدوین یک راهبرد جدید در منطقه است که از گروهک‌های ضدانقلاب تجزیه‌طلب بیشتر استفاده کند.»

طرح الگوی بنگازی در زاهدان

وی در ادامه با اشاره به اینکه در روزهای اخیر شاهد افزایش فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی مثل پژاک یا جیش‌الظلم هستیم، گفت: «این به این علت است که میزان سفارش‌های بیرونی‌ای که سرویس‌های اطلاعاتی، به‌خصوص صهیونیست‌ها، به این گروهک‌ها می‌دهند افزایش پیدا کرده است. البته باید بگویم که این گروهک‌ها در یک اتاق عملیاتی مشترک با آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها هدایت می‌شوند، اما هدایت

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

معنا دارد، به برکت همان نظامی است که همه زیر پرچمش گرد آمده‌اند. این جماعت به جای همراهی، طمع کرده‌اند و خیال کرده‌اند شرایط بحرانی فرصتی برای براندازی است؛ خیال خامی که عدم اعتنای مردم به آن، بهترین پاسخ بود.

دسته دوم: افراط‌گرایان مدعی انقلابی‌گری

دسته دوم، طیفی است که منتظر می‌ماند یک موضع رسمی گرفته شود تا با مانور بر آن، آتش اختلاف را شعلور کنند. این‌ها مدعی‌اند انقلابی‌تر از همه‌اند، اما در عمل دست به تخریب می‌زنند. نمونه‌اش حمله تند به جلسه تبیینی علی لاریجانی، مشاور رهبر انقلاب بود که با همراهی هیئت آیین حسینی و مدیریت میثم طبعی برگزار شد. این جلسه دقیقاً مصداق «تبیین» بود؛ آن‌گونه که رهبری تأکید کرده‌اند. اما همین هم برای عده‌ای خوش نیامد.

رهبر انقلاب صراحتاً هشدار داده‌اند که «ایرادهای غیلام» و «جنجال بر سبب مسائل کوچک» به کشور آسیب می‌زند. اما این جماعت که روزگاری با پرتاب مهر به دیگران شناسخته می‌شدند، امروز با میکروفرن و رسانه همین کار را می‌کنند. بعضی از آن‌ها در صداوسیما هم جا خوش کرده‌اند و با القای دوگانه‌های ساختگی مثل «ملیت یا اسلام»، دقیقاً در تقابل با گفتمان رهبری

تروریسم نیابتی

علی موحدی‌راد، رئیس‌کل دادگستری استان سیستان و بلوچستان، در تشریح ابعاد حادثه گفت: «مهاجمان قصد ورود به ساختمان را داشتند اما موفق نشدند. سپس با پرتاب نارنجک و تیراندازی، درگیری را به خارج از ساختمان کشاندند. بسیاری از مجروحان و شهدا از مردم عادی هستند. این حمله، کاملاً کور، بی‌هدف و بدون تمایز بود.» وی با اشاره به شهادت سه نفر از نیروهای حفاظت دادگستری نیز تأکید کرد: «این حمله نه صرفاً علیه یک نهاد، بلکه حمله به امنیت عمومی و مردم بی‌دفاع بود.» مسئولیت این حمله تروریستی، به‌سرعت از سوی گروهک جیش‌الظلم پذیرفته شد. گروهکی که در سال‌های اخیر با حمایت برخی سرویس‌های اطلاعاتی نقش فعالی در اجرای عملیات‌های نیابتی در جنوب شرق ایران ایفا کرده است.

می‌زدند و می‌رفتند

مجروحان حمله تروریستی به مجتمع قضایی زاهدان در مصاحبه‌هایی روایتشان را از لحظه حمله گفته‌اند. یکی از آنها می‌گوید: «مراجعه کردیم آنجا. کار داشتیم. پرونده داشتیم. دیدیم صدای تیر آمد. هنگام دویدن افتادم و دستم شکست. فقط صدای تیر و فریاد مردم را می‌شنیدم. نارنجک هم پرتاب کردند.» مجروح دیگری روایت می‌کند: «ساعت ۹ صبح وقت دادگاه داشتیم، وارد که شدم دیدم تیراندازی شد. هم مأمورها را می‌زدند و هم شخصی‌ها را. اصلاً نگاه نمی‌کردند این نظامی است یا نه. می‌زدند و می‌رفتند. هرکس در دادگاه بود چه بلوچ چه فارس چه بزرگ چه کوچک را می‌زدند.» مجروح دیگری که از کارکنان دادگستری است، می‌گوید: «در اتاقم بودم که متوجه شدم سروصدا شده است. صدای تیراندازی بود. من فرصت فرار نداشتم، رفتم زیر میز. آسَد داخل من را زیر میز دید و پایم را زد.» مادر کودک هفت‌ماهه‌ای که در حمله تروریست‌ها به شهادت رسید می‌گوید: «بشت ماشین‌ها بودند و شلیک می‌کردند. من می‌خواستم بچه را در قسمت پایین بگذارم، به محض اینکه بلندش کردم تیر خورد به سرش…»

فرهنگیختگان

میدانی آن‌ها در حال حاضر بر عهده سازمان موساد است. آن‌ها به دلیل شکستی که در جنگ منطقه‌ای با ما خورده‌اند، به‌دنبال این هستند که از پروکسی‌ها استفاده بکنند؛ در واقع ضربه بیشتری به پروکسی‌ها و گروهک‌ها بدهند تا بتوانند از آن‌ها بیشتر بهره‌برداری کنند. پلنی که رژیم صهیونیستی و آمریکایی‌ها در استفاده از پروکسی‌ها دارند، دقیقاً مشابه همان پلنی است که در رابطه با گروهک تروریستی تحریرالشم داشتند. در واقع پروژهمان بر این است که این‌ها را به سمتی هدایت کنند که بتوانند صاحب یک منطقه شوند، آن منطقه را پر از ممنوع اعلام کنند. دقیقاً همان مدلی که در ادلب و قبل از آن در بنگازی لیبی استفاده کردند در این بار هم با گروهک‌های تروریستی کردی و بلوچی یا گروهک‌های مشابه دیگر دنبال می‌کنند و به آن‌ها مکان می‌دهند تا آن محل تبدیل شود به محل تجمع و پیوس‌ها، گروهک‌های تروریستی، عوامل میدانی، تکفیری‌ها، سلفی‌ها و مشابه آن‌ها؛ و به‌تدریج بتوانند از حضور آن‌ها برای ایجاد ناامن‌سازی منطقه‌ای استفاده کنند.»

تهدید گروهک‌ها برای همسایه‌ها بیشتر است

این منبع آگاه در بخش پایانی به نقش کشورهای همسایه در مهار این گروهک‌ها اشاره کرد و گفت: «نکته‌ای که وجود دارد این است که کشورهایی که با ما منافع مشترک دارند، یعنی هم‌راهان یا همسایگانی که با ما هستند، باید به این نکته توجه داشته باشند که رشد این گروهک‌های تروریستی بیش از آن که برای ایران خطر تلقی شود، برای همسایگان ماست؛ یعنی برای افغانستان، برای پاکستان، برای ترکیه و حتی کشورهایی که هم‌مرز با ما نیستند، این مسئله می‌تواند اثرگذار باشد. بنابراین، این کشورها باید کمک کنند که مسئله تروریسم را به‌صورت منطقه‌ای حل کنیم. درحالی‌که آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها تلاش دارند که مسئله تروریسم را به‌عنوان یک عامل بین‌المللی به منطقه‌ما القا و تزیق کنند.

در برابر این پروژه کشورهایی مثل چین، ایران، روسیه و پاکستان باید با هم یک کردیور منطقه‌ای در رابطه با برخورد با گروهک‌های تروریستی تشکیل دهند تا بتوانیم در مرحله اول این گروهک‌ها را کنترل کنیم، در مرحله دوم آن‌ها را مهار کنیم و در مرحله سوم به‌طور کامل از بین ببریم؛ دقیقاً همان رفتاری که با یک و پیروس در بدن انجام می‌شود، باید با این گروهک‌ها هم به همان مدل برخورد کرد.»

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

حرکت می‌کنند. اگرچه رسانه ملی باید تریبون تفکرات متنوع باشد، اما نمی‌تواند سنگر کسانی شود که انسجام ملی را هدف گرفته‌اند. راه مقابله با این جریان، تنها تبیین نیست. باید از جانب خواص، برانت علنی از این رفتارهای تفرقه‌افکنانه صورت گیرد تا مرز عقلانیت و افراط روشن‌تر شود.

هر دو طیف اگر چه از دوسوی ظاهر آمتضاد می‌آیند، اما در عمل یک‌کار می‌کنند: زدن ریشه‌های انسجام ملی. یکی با شعار دموکراسی و حقوق بشر، دیگری با فریاد عدالت‌خواهی و انقلابی‌گری، اما نتیجه‌شان یکی است: تخریب اعتماد عمومی، تضعیف سرمایه اجتماعی نظام و شلیک به همبستگی مردم. این دقیقاً همان راهبرد صهیونیست یعنی جنگ داخلی، آشوب اجتماعی و درگیری درونی در ایران است که آن‌ها دنبال می‌کنند. وقتی صهیونیست‌ها می‌بینند در جنگ سخت نتوانسته‌اند این ملت را به زانو درآورند، امید به جنگ نرم، به فتنه‌های روانی، به دوگانه‌های دروغین و نفوذ در ذهن‌ها بسته‌اند. این دو جریان تندرو، با تفرقه‌افکنی و سم‌پاشی علیه اتحاد ملی، دقیقاً همان بازی دشمن را کامل می‌کنند، چه خودشان بدانند یا نه. جنگ اگر تمام شده، بی‌کار اصلی تازه شروع شده؛ دفاع از عقلانیت، صیانت از همبستگی و افشای چهره کسانی که با نقاب تقد یا انقلابی‌گری، خنجر در دست گرفته‌اند.

فرهنگیختگان